


 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 doi 10.22034/marifat.2024.2022034

 dor 20.1001.1.10236015.1403.33.2.4.7

## An Analysis of the Position of Man in the Ideal City: A Perspective of Amir al-Mo'minan Ali

**Seyyed-Mohammad Sadeq Pour-Yazdanparast** / Ph.D. in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran  
s\_yazdanparast@modares.ac.ir

**Hamid-Reza Saremi**  / Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran  
saremi@modares.ac.ir

**Seyyed-Ali Safavi** / Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran  
sasafavi@modares.ac.ir

**Received:** 2023/10/24 - **Accepted:** 2024/12/24

### Abstract

Urban planning in Islam has a concept beyond mere material concepts; it rather implies all material and spiritual factors and urban activities in order to achieve the desired point of material and spiritual life of city residents. Aiming to reach Imam Ali's view regarding the intellectual foundation dominant among city residents, this research first examines human nature and needs from Imam's perspective. It then explores the intellectual foundations of human being based on the eight principles introduced in the authors' previous research. The intellectual foundations is considered the most important among the three dimensions of an ideal city, compared to the other two dimensions of human communication and physical aspects. For this purpose, the research method is a combination of text and content analysis and meta-analysis methods. According to the results of this study, human beings mainly have two dimensions, physical and spiritual, and - considering the dimensions of human life- their needs can be best identified and defined within these dimensions. In addition, regarding the principles governing human thought, it is shown that these principles must align with human nature and reality, serving as the guardian and protector of the position of God's Caliph. Finally, it is proven that the formation of the ideal city does not focus solely on worldly virtues but also emphasizes virtues of the hereafter. Therefore, the ideal city is not an end in itself, but rather a means to serve the transcendental purpose of human. While simultaneously addressing the material and metaphysical needs of humanity, this city must provide the necessary conditions for a muqarrab life – a life of nearness to Allah- and for the upbringing of the Caliph of Allah.

**Keywords:** Ideal city, human nature, intellectual foundations, Amir al-Mo'minan Ali, Nahj al-Balagha.

نوع مقاله: ترویجی


## تحلیلی از جایگاه انسان در شهر مطلوب

از دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام

s\_yazdanparast@modares.ac.ir

سیدمحمدصادق پوریزدان پرست / دکترای شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

saremi@modares.ac.ir

 حمیدرضا صارمی / دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

sasafavi@modares.ac.ir

سیدعلی صفوی / استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

### چکیده

شهرسازی از دیدگاه اسلام مفهومی فراتر از مفاهیم صرف مادی داشته؛ بلکه بر کلیه عوامل مادی و معنوی و فعالیت‌های شهری در راستای دستیابی به نقطه مطلوب زندگی مادی و معنوی ساکنان شهر دلالت می‌نماید. در تحقیق جاری، ما با هدف دستیابی به دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام در خصوص مبانی فکری حاکم بر اهل شهر به‌عنوان مهم‌ترین بعد از ابعاد سه‌گانه شهر مطلوب قبل از ابعاد ارتباطات انسانی و ابعاد کالبدی به‌عنوان دو بعد دیگر شهر مطلوب، ابتدا دو موضوع ماهیت و نیازهای انسان را از دیدگاه امام علیه السلام بررسی نموده و سپس بر اساس هشت مبانی معرفی‌شده در تحقیقات قبلی نگارندگان این پژوهش، مبانی فکری انسان را مورد بررسی قرار داده‌ایم. بدین منظور روش تحقیق تلفیقی از روش‌های تحلیل متن و محتوا و فراتحلیل است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد انسان به‌طور عمده دو ساحت جسمانی و روحانی داشته و به تناسب ساحت‌های حیات انسان، نیازهای او نیز تحت همین ساحت‌ها قابل شناسایی و تعریف هستند. همچنین در باب اصول حاکم بر فکر انسان مشخص گردید که این اصول بایستی با ماهیت و حقیقت انسان هماهنگ و حافظ و نگهدارنده مقام خلیفه‌اللهی بشر باشد. در نهایت مشخص گردید که تشکیل شهر مطلوب تنها به فضیلت‌های این جهانی ختم نشده و نگاه به آخرت دارد. از این رو شهر مطلوب خود، نه به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان یک وسیله در خدمت هدف متعالی انسان بوده و به همین دلیل این شهر بایستی ضمن توجه توأمان به نیازهای مادی و فرامادی انسان، زمینه‌های لازم زیست‌مقربانه انسان و تربیت خلیفه‌الله را تأمین نماید.

کلیدواژه‌ها: شهر مطلوب، ماهیت انسان، مبانی فکری، امیر مؤمنان علی علیه السلام، نهج البلاغه.

## مقدمه

این کمبود در مطالعات شهر و شهرسازی نیز قابل مشاهده است. از آنجاکه عقل در شناخت خود محدود است، بدون حضور وحی و استعانت از آن، نمی‌تواند حقوق و اصولی را که تضمین‌کننده سعادت و هدایت آدمیان است، شناسایی کند و به همین دلیل، همواره از وحی به‌عنوان مهم‌ترین منبع نسبت به سایر منابع یاد می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) و حجیت منبع «عقل» و «جماع» بازگشتش به حجیت سنت و عترت خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۶۲). از همین روست که ما همواره در طول تاریخ احتیاج داشته‌ایم به سرچشمه‌های خالص اندیشه اسلامی و نظامی فکری که بتوان به آن اتکا کرد، بازگردیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۲). پس از کتاب الهی به‌عنوان مرجع اصلی و پایه حامل اصول بی‌زمان و بی‌مکان متضمن هدایت کلیه جنبه‌های زندگی انسان، تفاسیر کتاب الهی قرار داشته که کلام و سنت معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان تفسیر ناب و تجلی عینی کلام الهی در متن زندگی انسان است (نقی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۷)؛ از این رو کلام و سنت معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان دومین منبع فقه شیعه برای استنباط احکام، از دیدگاه شیعه امامیه، به‌معنای گفتار، رفتار و تأیید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام در تمدن اسلامی جایگاهی رفیع و سهمی بسزا در همه علوم اسلامی و فرهنگ عمومی مردم داشته و دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۵).

اگر ضرورت پرداختن به مباحث شهرسازی از منظر اسلام و کلام و سنت معصومان علیهم‌السلام پذیرفته شود، سؤال آن خواهد بود که گام اول در این زمینه چیست؟ ما با هدف ورود کلام امامان معصوم علیهم‌السلام در مطالعات شهرسازی، در تحقیقات دیگری، پس از استخراج منابع، مبانی و اهداف، نسبت به طرح کلان نظریه شهرسازی اسلامی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام پرداختیم. در تحقیق جاری هدف آن است که از ابعاد سه‌گانه شهر مطلوب، یعنی مبانی فکری، ارتباطات انسانی و ابعاد کالبدی به‌طور خاص به موضوع مبانی فکری انسان پرداخته شده و در این زمینه پس از دستیابی به دیدگاه امام علیه‌السلام در باب ماهیت و نیازهای انسان، ویژگی‌های هشت مبنای معرفی‌شده در مبانی فکری انسان، پی گرفته شود.

پژوهش‌هایی که توسط محققان رشته شهرسازی در باب صفات شهر مطلوب در آرا و نظریات متفکران مسلمان صورت گرفته، در دهه‌های اخیر با اقبال بیشتری مواجه بوده است؛ اما پژوهش و تحقیق در خصوص صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر ائمه

در جامعه دینی تعریف انسان با جامعه غیردینی متفاوت است. تعریف متفاوت، به تفاوت در مبدأ و مقصد زندگی نوع بشر منجر خواهد شد و به همین دلیل نمی‌توان شهر را به‌عنوان بستر رشد افراد در جوامع دینی و غیردینی، به یک شکل، تأسیس و اداره کرد (صارمی و کشاورزی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۸). به بیان قرآن کریم، ایمان به خدای متعال و الزامات و اقتضائات حاصل از این ایمان، مهم‌ترین مؤلفه‌های مدنیت و شهرنشینی انسان بوده، به نحوی که اگر این مؤلفه در یک سکونتگاه انسانی دیده نشود، آن سکونتگاه هرچند که به لحاظ جمعیتی، کالبدی و... بزرگ باشد، باز هم از منظر قرآن قریه و نه مدینه محسوب می‌شود. از منظر قرآن، ایمان حتی یک نفر کافی است تا مدنیت و تمدن شهری را بتوان بر یک سکونتگاه اطلاق نمود: «جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» (یس: ۲۰) و خداوند برای ایمان و حیات معنوی یک نفر به اندازه ایمان و حیات معنوی یک جمع (امت) ارزش قائل شده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) (رئسی، ۱۳۹۷، ص ۴۷).

بنابراین، انسان به‌عنوان رکن بنیادین شهر، اصلی‌ترین عامل ظهور هر شهر و به‌ویژه هر شهر مطلوب خواهد بود. جهان‌بینی و باورهای الهی و معنوی انسان‌ها، اصلی‌ترین راهنما و رهبر آنان به سوی کمال و سعادت هستند. بر اساس این فضای فکری، حکمت و فضائل و اخلاقیات انسانی تبیین و تعریف می‌شوند و انسان‌ها سعی در متخلق شدن به آنها خواهند داشت. این انسان انواع ارتباطاتی را که با هستی (اعم از سایر انسان‌ها، طبیعت و ساخته‌های خویش) دارد در این فضای فکری تنظیم می‌کند. در واقع بدون حضور انسان‌های کمال‌یافته، شهر مطلوب نیز میسر و ممکن نخواهد بود. این انسان‌های کمال‌یافته هستند که بنا به اصولی که باور دارند، آن اصول را زمینه‌ساز و مأخذ رفتارهای خود و همچنین ساختن و خلاقیت‌ها و ارتباطات خویش قرار خواهند داد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۷۳ و ۷۴).

در این بین متفکران مسلمان از دیرباز دغدغه‌توین و تبیین در موضوعات مرتبط با سعادت دنیا و آخرت و به‌طور خاص، مبانی فکری انسان از منشأ وحی را داشته‌اند. متأسفانه در دنیای جدید، با نوظهور پنداشتن مسائل، دیگر به پیشینه این مباحث در آثار اسلامی یا پرداخته نشده و یا بسیار ناقص و اشاره‌وار بوده (موسوی‌فر، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵) و

دسترس می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵). وجه تمایز پژوهش جاری با تحقیقات ایشان و سایر پژوهش‌های معرفی‌شده در آن است که جهت استخراج و تحلیل اطلاعات به نهج البلاغه بسنده نشده و به سایر منابع حاوی کلام امام علی<sup>علیه السلام</sup> نیز رجوع گردیده و علاوه بر تحلیل مستقیم از منابع کلام به فراتحلیل (ترکیب نتایج پژوهش‌های منفرد و پراکنده با یکدیگر) نیز پرداخته شده است. همچنین در پژوهش جاری ابتدا مبانی کلی که در هر ساحتی از شهر مطلوب بایستی بدان توجه داشت، معرفی و سپس بر اساس این چارچوب به تحلیل و فراتحلیل متون موجود به‌منظور دستیابی به ویژگی‌های مبانی فکری انسان پرداخته شده است.

در پژوهش حاضر که از نوع بنیادی محسوب می‌شود، روش تحقیق تلفیقی از روش‌های تحلیل متن و محتوا و فراتحلیل بوده و از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز، بهره برده شده است. در این زمینه با رجوع به اندیشه و کلام امام علی<sup>علیه السلام</sup> و توصیف و تحلیل محتوای آنها، ابتدا به بررسی، سپس به کشف دیدگاه ایشان در خصوص مبانی فکری حاکم بر اهل شهر پرداخته شده است. لازم به ذکر است با توجه به آنکه نهج البلاغه تجلی تمامی وجود بیکران امیر مؤمنان علی<sup>علیه السلام</sup> نیست، به این منبع بسنده نشده و به سایر منابع حاوی کلام ایشان نیز مراجعه گردیده است.

شهر مطلوب مجموعه‌ای از مفاهیم و اصول مستقل از حوزه‌های معرفتی نبوده، بلکه بر مبانی اصول و قواعد برگرفته از برخی منابع شکل می‌گیرد (پارسانیا، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱)؛ لذا درباره آرمان شهر دینی، باید سه امر منبع، مبنا و هدف آرمان شهر را پیش از ورود به مباحث دیگر از یکدیگر تمیز داد. آیت‌الله جوادی آملی از فقهای برجسته عصر ما، از جمله محققان دینی هستند که با تأکید بر عقلانیت، به تحلیل ماهیت آرمان شهر پرداخته‌اند. در این بین، تفاوت نگاه ایشان با سایر اندیشمندان، در توجه ایشان به دو موضوع هدف و مبانی و چگونگی استخراج آن دو از منابع آرمان شهر است (صارمی و کشاورزی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۸). نگارندگان در پژوهش دیگری منابع شناخت و هشت مبانی اصلی و در نهایت، اهداف محوری و کلان نظریه شهر مطلوب را از دیدگاه امام علی<sup>علیه السلام</sup> استخراج نموده‌اند که در نمودار (۱) خلاصه گردیده است. در تحقیق جاری در نهایت هشت مبانی معرفی‌شده در موضوع مبانی فکری انسان از دیدگاه امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> بررسی خواهد شد.

اطهار<sup>علیهم السلام</sup> به‌طورخاص امیرمؤمنان علی<sup>علیه السلام</sup> که دارای ذخایر بالقوه متعددی در راستای دستیابی به صفات محل زیست مطلوب انسان بوده، همچنان جای کار بسیاری دارد و در ابتدای راه است. با توجه به بررسی انجام‌شده، ازجمله پژوهش‌هایی که در رشته شهرسازی به استخراج اصول و مبانی شهر مطلوب از منبع حدیث پرداخته‌اند می‌توان به مواردی اشاره نمود. ازجمله ستاری ساربانقلی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «اصول مدیریت شهری و شهرسازی رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> در مدینه‌النبی»، بر مبانی مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی سنت، سیره و گفتار پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به بیان مؤلفه‌های بنیادین تفکر عملی و نظری پیامبر در زمینه اصول شهرسازی و مدیریت شهری مدینه‌النبی پرداخته است. قبادی (۱۳۹۳) در پی پاسخ به این سؤال که نهج البلاغه چه ویژگی‌هایی برای شهر بیان نموده و در نهج البلاغه، شهر دارای چه ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی است؟ پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های شهر اسلامی از منظر نهج البلاغه» صورت داده که نتایج در قالب سه رکن اصلی جامعه شهری شامل شهروندان (مردم) یا اهل شهر، رفتارها و قوانین و محیط فیزیکی و چهار ویژگی فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی شهر از دیدگاه امیر مومنان علی<sup>علیه السلام</sup> ساماندهی گردیده است. همچنین رئیسی (۱۳۹۷) در کتاب خود، تحت عنوان معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود)، ساختار و نظام کالبدی شهر و شاخصه‌های عددی نظیر حداکثر جمعیت، حداکثر وسعت، تراکم و... را از روایاتی منقول از پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و امام علی<sup>علیه السلام</sup> استنباط و ارائه نموده است.

در این بین، دکتر محمد نقی‌زاده ازجمله پژوهشگران رشته شهرسازی بودند که منسجم‌تر و عمیق‌تر از سایر پژوهشگران رشته شهرسازی در تحقیقات مختلفی به موضوع شهر و شهرسازی اسلامی و به‌طورخاص به بررسی شهر آرمانی از دیدگاه امام علی<sup>علیه السلام</sup> پرداخته‌اند. ایشان پس از تدوین پژوهش خود تحت عنوان شهر آرمانی اسلام (فضای حیات طیبه) با توجه به شباهت و وحدت شناسایی‌شده بین کلام الهی و سخنان امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> به این عرصه وارد شدند. طبق بیان ایشان، سخنان امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> شیوه تجلی عینی اصولی است که کلام الهی برای محیط زندگی آرمانی تبیین نموده است. نتایج تحقیقات منسجم ایشان در باب ابعاد سه‌گانه شهر آرمانی، در کتاب شهر علوی (شهر آرمانی تحقیق‌پذیر در دنیا) در

علت امتیاز او از سایر مخلوقات همین خلقت ترکیبی و برخوردار بودن از ابعاد گوناگون روح است (رضایی و نصیریان، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸).

بر اساس کلام امام علیؑ انسان برترین مخلوق و محور و خلاصه آفرینش الهی است (فتحی و سلیمانی، ۱۳۹۵، ص ۹۱). امامؑ می‌فرماید: «... ان الله عزوجل ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة و ركب في البهائم شهوة بلا عقل و ركب في بني آدم كلتيهما فمن غلب عقله شهوته فهو خير من الملائكة و من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۹۹)؛ خداوند عزوجل، در وجود فرشتگان، عقل بدون شهوت و در چارپایان، شهوت بدون عقل و در وجود انسان، عقل و شهوت را با هم قرار داد، پس هر کس که عقلش بر شهوتش پیروز گردد، از فرشتگان بهتر است و هر کس شهوتش بر عقلش پیروز گردد، از چارپایان بدتر است. این سخنان به خوبی وجه اشتراک و فصل انسان با سایر موجودات را نشان می‌دهد (رضایی و نصیریان، ۱۳۹۷، ص ۱۲-۱۷). در نهایت برخلاف افرادی که انسان را حیوان ناطق (حیوان متکامل) معرفی می‌نمایند. به تعبیر آیت الله جوادی آملی، انسان، زنده خداجو (حی متأله) است.

بر اساس حدیثی از امام علیؑ منقول از کمیل بن زیاد، کلی‌ترین ابعاد وجودی انسان را در چهار سطح می‌توان برشمرد. در متن این حدیث، امامؑ علاوه بر موجودیت مادی انسان، او را موجودی مرکب و متشکل از چهار نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی (تدبیرکننده) و روحانی معرفی می‌فرماید که هر نفس نیز دارای سرچشمه و پنج قوه بوده و عقل در میان کل این نفوس قرار گرفته است (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۸۵). مضمون این حدیث با سه آیه از قرآن کریم نیز قابل تطبیق است. خداوند، انسان را دارای سه نفس اماره (نفس حیوانی): «... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...» (یوسف: ۵۳)، لوامه (نفس عقلانی): «وَأَلَّا تُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت: ۲) و مطمئننه (نفس روحانی): «يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ» (فجر: ۲۷) معرفی می‌نماید (جدول ۱). انسان در سطح حیات گیاهی و حیوانی از ادراکات حسی، خیالی و وهمی برخوردار بوده و در صورتی که فطرت عقلانی آن بارور نشود با غلبه مراتب مختلف شهوت، غضب و یا تمایلات وهمی، سه صورت بهیمی، سبعی و شیطنی پیدا می‌کند و اگر فطرت عقلانی او رشد کند سیرتی فرشته‌گونه و برتر از آن را پیدا می‌کند (پارسانیا، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴)؛ از این رو حواس پنج‌گانه در انسان همانند معبری برای نفس و عقل در شناخت است که در حیوانات این نوع ویژگی به چشم نمی‌خورد (ملکی و وحیدی، ۱۳۹۵، ص ۸). از این‌روست که نفس روحانی انسان در دیگر نفوس او تجلی پیدا می‌کند و از آنها تأثیر و تأثر متقابل می‌پذیرد (نقره‌کار، ۱۳۹۳، ص ۴۵). امام علیؑ در این خصوص می‌فرماید:

نمودار ۱: منبع، مبنا، هدف و کلان نظریه شهر مطلوب از کلام امام علیؑ



منبع: نگارندگان

### ۱. شناخت ماهیت انسان در کلام امیر مؤمنان علیؑ

در پژوهش جاری، جهت دستیابی به اصول فکری حاکم بر اهل شهر، ابتدا به بررسی ماهیت انسان و نیازهای او از کلام امام علیؑ پرداخته خواهد شد. در خصوص ماهیت انسان بایستی بیان داشت، شناخت نیازهای انسان منوط به شناخت ماهیت انسان و ساخت‌های حیات اوست (نقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۷۹). صاحبان اندیشه، نظریات مختلفی درباره تبیین ماهیت انسان عرضه کرده‌اند که یکی از آخرین آنها «انسان، حیوان تکامل‌یافته» است. در این بین، بهترین منبع برای انسان‌شناسی، همانا وحی انسان‌آفرین بوده که از هر منبعی قوی‌تر و معتبرتر است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۰). امام علیؑ در خطبه یک نهج البلاغه بیان می‌دارند که در مرحله تکوین ابتدایی انسان، هویت اصلی‌اش که ساخت جوهری است شکل گرفته، سپس خلقت او در ساخت ترکیبی تحقق می‌یابد. در این مرحله انسان از دو شأن دنیوی (جسم) و اخروی (روح) خلق شده؛ از این‌رو ساخت‌های انسان به‌طور عمده، ساخت جسمانی و روحانی بوده که

جدول ۱: چهار ساحت انفسی انسان، سرچشمه و قوا و خواص آن از دیدگاه امام علی علیه السلام

خواص دوگانه نفوس انسان	قوای پنج گانه نفوس انسان	سرچشمه نفوس	نفوس انسان
کم و زیاد شدن، رشد (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)	جذب کننده (قوه جاذبه) هضم کننده (قوه هاضمه) دفع کننده (قوه دافعه) پرورش دهنده (قوه مریبه) نگهدارنده و کنترل کننده (قوه ماسکه)	کبد (از همه چیز به نفس حیوان شبیه تر است)	نفس نامی نباتی
خشنودی و ناراحتی نفس (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)	شنیدن (قوه سمع) دیدن (قوه بصر) بویدن (قوه شم) چشیدن (قوه ذوق) لمس کردن (قوه لامسه)	قلب (شبیه ترین نفس ها به درندگان)	نفس حسی حیوانی
خرد (عقل) مرز آدمیت با حیوانیت انسان است.			
حکمت و نزاهت (داوری و درک خوبی ها و بدی ها و زیبایی ها و زشتی ها و گرایش به خوبی ها)	فکر (تدبیر) ذکر (یادآوری) علم (دانایی) حلم (بردباری) تنبه (بندپذیری) / هوشمندی (آگاهی)	از چیزی سرچشمه نگرفته (شبیه ترین به نفس فرشتگان است)	نفس ناطقه قدسی (عقلانی)
حلم و کرم رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی)	بقا در فنا تنعم در سختی عزت در ذلت فقر در غنا صبر در بلا	مبدأ آن از خداوند است و به او نیز باز می گردد.	نفس کلی الهی (روحانی)

منبع: نگارندگان بر اساس (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۸، ص ۸۵؛ نقره کار، ۱۳۹۳، ص ۴۴؛ ۱۳۹۶، ص ۱۳۸؛ رئیس، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸)

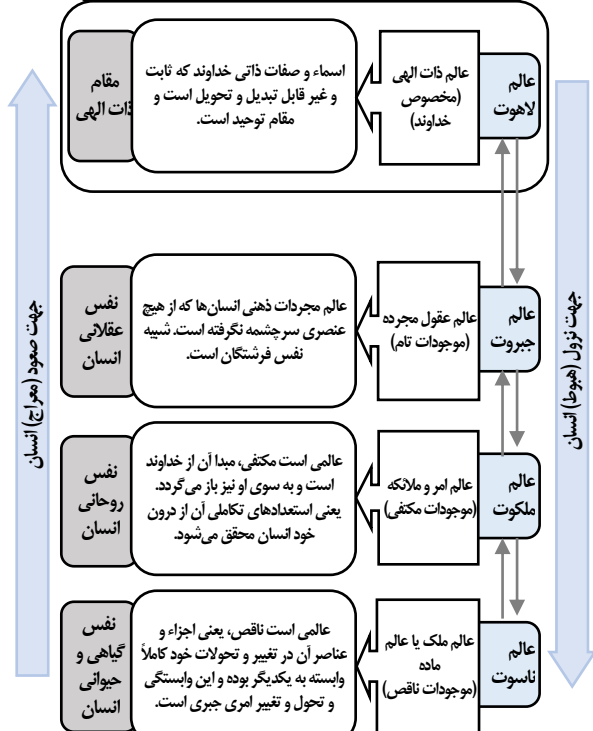
## ۲. مراتب نیازهای انسان در کلام امام علی علیه السلام

نیازهای انسان شرط لازم برای بقا در عین حفظ کیفیت مطلوب زندگی در جهت کمال و تحصیل اهداف موردنظر از حیات انسان بوده که برای هریک از این عوامل منطبق بر نیازهای فیزیولوژیکی، روانی و معنوی انسان می توان مرتبه و درجه ای را ذکر کرد. همه فعالیت های انسان به منظور پاسخگویی به

«مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹، حکمت ۲۶): کسی چیزی را در دل پنهان نکند، جز آنکه در لغزش های زبان و رنگ رخسار، آشکار خواهد شد.

ساختار و مراحل خلق عوالم وجود توسط خداوند یکتا، شامل سه عالم کلی معقول، ملکوت و ملک منبعث از عالم الهی است که در رابطه طولی با یکدیگر هستند. این رابطه همچون رابطه خورشید با انوارش که به تدریج از بعد حرارت و روشنایی کاستی پذیرفته، ولی در هر حال، تابش خورشید برای همه انوار یگانه است و از ساحت ذات الهی سرچشمه گرفته است. به این رابطه خاص حضرت علی علیه السلام این گونه اشاره می فرماید: «... مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمَقَارَنَةٍ وَ غَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُرَابَلَةٍ...» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹، خطبه ۱): خداوند درون پدیده ها است با آنها یکی نیست، بیرون از آنهاست و از آنها جدا نیست. بنابراین انسان که شامل همه مراتب وجود، غیر از ذات الهی است دارای سه بعد (عقلانی، ملکوتی و ملکی) است که عوالم سه گانه، مبین سه بعد از ابعاد انسانی با ویژگی ها و خواص خود است (نمودار ۲) (نقره کار، ۱۳۹۶، ص ۱۱). در این راستا حقوق و اصول حاکم بر فکر انسان باید با ماهیت و حقیقت انسان هماهنگ باشد. از آنجاکه ارزش انسان و به تعبیری انسانیت انسان به خلیفه الهی او بوده و خلیفه الهی انسان نیز به پذیرش ربوبیت الهی وابسته است، مبانی فکری و حقوق انسان باید حافظ و نگهدارنده مقام خلیفه الهی بشر باشد (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۲).

نمودار ۲: عوالم چهار گانه هستی و مراتب نزول و صعود انسان



منبع: نگارندگان بر اساس (نقره کار، ۱۳۹۶، ص ۱۲؛ ۱۳۹۵، ص ۱۷؛ ۱۳۹۳، ص ۳۱)

متناظر با نفس نباتی انسان، نیازهای بعد روانی و عقلانی انسان بنا به مراتب خود متناظر با ساحات نفس حیوانی و عقلانی انسان و نیازهای معنوی متناظر با نفس روحانی انسان می‌توانند باشند.

جدول ۲: نیازهای انسان در تناظر با مراتب نفس انسان از منظر امام علی<sup>ع</sup>

مراتب نفس انسان، قوا و خاصیت آنها		مراتب نیازهای انسان	
مرتبۀ نفس	قوای نفس	خواص نفس	نمونه‌ها
نفس نامی نباتی	جذب‌کننده	رشد و نقصان	نیاز به سلامتی و تغذیه
	هضم‌کننده		نیاز به پوشش
	دفع‌کننده		نیاز به استقرار
	پرورش‌دهنده		نیاز به آرامش جنسی
نفس حسی حیوانی	شنوایی	خشونودی و ناراحتی	نیاز به قدرت: نیاز به شناخت (علم و آگاهی)
	بینایی		نیاز به کرامت
	بویایی		نیاز به عزت
	چشایی		نیاز به لذات: نیاز به شادی
نفس ناطقه قدسی (عقلانی)	لامسه	حکمت و نزاهت (داوری و درک خوبی‌ها و بدی‌ها)	نیاز به امنیت و آرامش روانی
	فکر		نیاز به محبت و عشق
	یادآوری		نیاز به زیبایی طبیعی
	علم		نیاز به خلاقیت و نوآوری
نفس کلی الهی (روحانی)	بردباری	رضایت و تسلیم	نیاز به کمال: نیاز به دین: نیاز به باورهای دینی: شامل نیاز به توحید، نیاز به نبوت و نیاز به معاد
	آگاهی		نیاز به عبادت و پرستش
	درخشندگی در فنا		نیاز به نیکی و فضایل اخلاقی
	نعمت در سختی		
	عزت در خواری		
	فقر در بی‌نیازی		
	شکیبایی در بلا		

منبع: نگارندگان بر اساس نهج البلاغه، غررالحکم و (اشرفی و میقانی، ۱۳۹۹؛ امامی، ۱۳۹۷؛ خلیلی، ۱۳۸۲؛ عزیزکی و عابدی، ۱۳۹۹؛ کریمی و مهدی پور، ۱۳۹۹؛ کلاتری، ۱۳۸۹)

نیازهایش انجام می‌شوند و آثار انسانی و از جمله شهر و اجزا و عرصه عمومی آن نیز به‌منظور تأمین مطلوب نیازهای انسان خلق و تولید و ساخته می‌شوند، بنابراین شناخت مراتب نیازهای انسان برای تعریف و احصای ویژگی‌های شهر مطلوب یک ضرورت است. به کلام دیگر، می‌توان بیان داشت فلسفه وجودی شهرها ریشه در نیازهای انسان دارد و برای تبیین کم‌وکیف ساختار کالبدی شهر، بایستی ژرف‌کاوی شود که اساساً انسان (به‌عنوان مبنا و مولد شهر) چه نیازهایی دارد که در پاسخ به آن نیازها، شهر و نظام کالبدی آن شکل بگیرد (رئیس، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴). هم‌اکنون بیشتر کسانی که در طراحی محیط فعال هستند، هرم نیازهای سلسله‌مراتبی مازلو را مورد استفاده قرار می‌دهند، اما این مدل نیز نتوانسته خلاً وجود مدل جامع از انسان و نیازهای او را رفع کند. با توجه به تعریف کاملی که از ابعاد وجودی انسان در کلام امام علی<sup>ع</sup> صورت گرفت، این نیازها با توجه به ساحات معرفی‌شده بررسی خواهد شد.

به تناسب ساحات‌های قابل‌تصور برای حیات انسان، نیازهای انسان نیز تحت همین ساحات‌ها قابل‌شناسایی و تعریف هستند. طبق روایتی که از امام علی<sup>ع</sup> به نقل از کمیل بن زیاد بیان گردید، در نوع انسان (فارغ از تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی، اقلیمی و...)، حداقل چهار نوع نیاز، قابل‌پی‌جویی است که این چهارگانه، متأثر از چهارگانه قوا و مراتب نفس انسان است. در کلام امام<sup>ع</sup> انسان دارای چهار نفس نباتی، حیوانی، قدسی (عقلانی) و الهی (روحانی) بوده؛ از این رو به‌تبع این چهار نفس، چهار دسته نیاز دارد که دو دسته اول، یعنی نیازهای نباتی و حیوانی، را می‌توان در گروه نیازهای مادی و نیازهای عقلی و روحی را می‌توان در دسته نیازهای فرامادی جای داد (رئیس، ۱۳۹۷، ص ۱۳۷ و ۱۳۸). بر این اساس مراتب نیازهای انسان در نمودار (۳) خلاصه گردیده است.

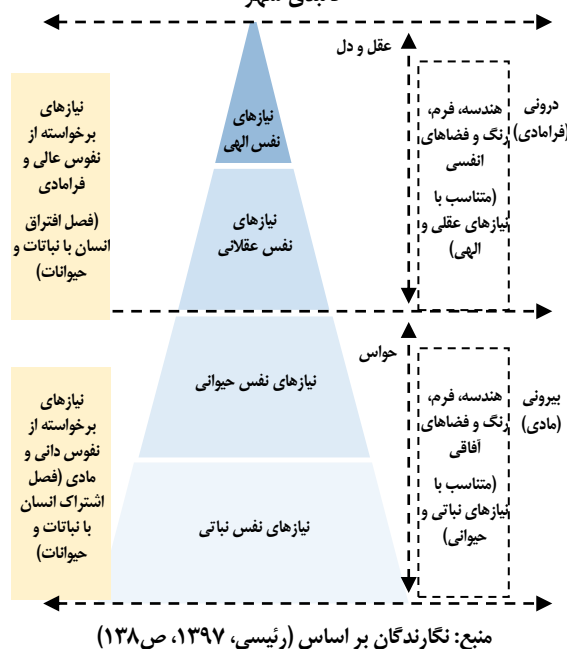
بر مبنای نیازهای شناخته‌شده از انسان در سه سطح مادی، عقلانی و روحانی و همچنین در خصوص مراتب نفس، قوا و خاصیت آنها که هر دو استخراج‌شده از کلام امام علی<sup>ع</sup> می‌باشد، می‌توان تناظری منطقی میان نیازهای انسان و قوای نفس او تشخیص داد. در جدول (۲) این تناظر ارائه گردیده که نیازهای مادی

مهم‌ترین عنصر و اصلی‌ترین جز و عامل پدیدآورنده شهر، انسان یا اهل شهر یا کسی است که شهر زیستگاه او و مکان فعالیت‌هایش می‌باشد. مشخص است که حتی در بحث کالبد شهر نیز اگر تجلی روح و معنا به میان آید، سرچشمه‌اش در وجه فکری شهر خواهد بود. شهر مدینه منوره با حضور پیامبر اکرم ﷺ در آن و با مسلمان شدن مردم و تغییر روابط آنان در روزهای نخستین، تنها شاهد احداث مسجدالنبی بود و تغییرات فیزیکی دیگری در کالبد آن رخ نداد، اما در عین ثبات کالبد، عقاید اهل شهر و روابط انسانی آنان تغییرات چشمگیری نمود، از این رو ساحت فکری شهر، برجسته‌ترین و مهم‌ترین ساحتی بوده که جایگاه تجلی شهر مطلوب به‌شمار می‌رود. از همین روست که امام علی ﷺ در مواضع مختلفی به ویژگی‌های مردم شهر و همچنین صفات حاکم و در موارد متعدد دیگری به رابطه و حقوق متقابل مردم و مدیر جامعه اشاره نموده‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۴۰ و ۴۵). در نهایت، انسان به‌عنوان خلیفه‌الله، فی‌نفسه خود به‌عنوان مدینه فاضله مطرح است؛ لذا اصول کلی بیان‌شده برای شهر مطلوب در خود انسان نیز اهمیت داشته و قابل پیگیری خواهد بود. از جمله مهم‌ترین اصول حاکم بر فکر و عمل اهل شهر می‌توان به توحید، عدالت، حیات، کرامت انسان، آزادی، امنیت، نظم و مالکیت اشاره نمود.

### ۳-۱. توحید و خدامحوری اهل شهر

از نظر قرآن کریم بهره‌مندی از نعمت‌ها برای کافر و مسلمان هر دو مهیا شده است؛ اما مسلمان نگرشی الهی داشته و خود را به شبکه نیازهای مادی محبوس نمی‌سازد. منش او در تأمین نیازهای مادی تحت تأثیر منش او در تقرب به خداست (خلیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴)؛ بنابراین، اساسی‌ترین پایه زندگی انسان جهان‌بینی توحیدی بوده و مهم‌ترین بخش جهان‌بینی توحیدی معرفت و شناخت خداوند است (سقا و اوپسی، ۱۳۹۹، ص ۷۴). امام علی ﷺ می‌فرماید: «... أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱)؛ ... سرآغاز دین، خداشناسی است و کمال شناخت خدا، باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال توحید (شهادت بر یگانگی خدا)، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات

نمودار ۳: سلسله‌مراتب نیازهای انسان و فضای متناسب با آنها در ساختار کالبدی شهر



### ۳. مبانی فکری حاکم بر اهل شهر در کلام امام علی ﷺ

همان‌طور که بیان شد برای دستیابی به مختصات شهر مطلوب اسلامی، باید مفاهیم منبع، مبنا و هدف را شناسایی و ماهیت و نقش آنها را در تشکیل شهر مطلوب تعیین کرد. از ابتدایی‌ترین گام‌ها در تدوین مبانی نظری شهرسازی برای جامعه‌ای مسلمان، شناسایی اصول و مفاهیمی است که تعالیم اسلامی برای ابعاد و زمینه‌های مختلف زندگی انسان ارائه نموده و بایستی این اصول در همه موضوعات مربوط به آن صادق و جاری و ساری و مشهود باشد تا ضمن تأثیر کلیه موضوعات از این اصول در نهایت پیروان اسلام را به همان اصول برسانند (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۹). بر این اساس، مبانی عبارت از آن قواعد و اصولی است که برهان از آن قواعد و اصول تشکیل می‌شود، بر این مقدمات و مبادی عنوان مبانی بحث اطلاق می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۶۹) و به زبان ساده، مبنا جایی است که از آن آغاز می‌کنیم و در زمینه پژوهش حاضر، مبانی مجموعه اصول و قواعدی کلی هستند که شهر مطلوب از آنها برای تعریف خود استفاده خواهد نمود. مبنا وجود آرمان شهر می‌تواند پاسخ به این پرسش باشد که «چرا وجود آرمان شهر و تشکیل آن لازم است. به عبارت دیگر، چرا انسان مستحق زیستن در شهری آرمانی است؟» (صارمی و کشاورزی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۷-۱۵۹).



جایگاه اشیا بر اساس جهان‌بینی‌های مختلف، تفاوت پیدا می‌کند. در واقع، باید توجه داشت که اولاً انسان به‌عنوان موجودی مطرح است که غرض از ایجاد و ساخت شهر پاسخگویی به نیازهای او در مسیر تکاملی‌اش بوده و ثانیاً انسان متشکل از ساحت‌های وجودی متعددی است که غفلت یا سبک شمردن هریک از آنها می‌تواند تعادل زندگی‌اش را مختل نماید (نقی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۱). پس تنها راه درست، ایجاد اعتدال بین نیازهای مادی و معنوی (جسمی و روحی) با کنترل کامل قوای نفسانی به‌وسیله عقل و عمل دقیق به دستورات الهی و احکام شرع مقدس بوده تا پدیده فطری «حَبِّ ذَات» و قوای جنبه نفسانی روح در خدمت کمال و سعادت انسان درآیند و بهترین شرایط را برای به کمال رساندن او فراهم سازند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قِيَوْمُ الْغَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مَلَائِكَةُ حُسْنِ التَّنْذِيرِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۰۳)؛ پایداری زندگی به آن است که به‌خوبی اندازه نگاه داری و معیار زندگی آن است که خوب برنامه‌ریزی کنی.

جدا کردن است... بنابراین همه موضوعات مربوط به فضای فکری شهر اسلامی به ایمان انسان به اسلام و به‌تبع آن به توحید ارجاع می‌شوند. در واقع فضای فکری شکل‌دهنده فضای رفتاری و عملی نیز خواهد بود که در تفکر توحیدی بارزترین ویژگی آن تقوای الهی است که به عبودیت او ختم می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۵۰). در این بین نکته مهمی که ممکن است مورد غفلت قرار گیرد، برتری روح بر جسم آدمی است. امام علیه السلام می‌فرماید: «... وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۸۳)؛ از جسم خود بگیری و بر جان خود بیفزایی. در واقع این جسم است که بایستی در خدمت روح انسان قرار گیرد و این معنویت‌گرایی بایستی اصیل و نه ظاهری باشد: «... فَاجْعَلُوا طَاعَةَ اللَّهِ شِعَاراً دُونَ دِتَارِكُمْ وَ دَخِيلاً دُونَ شِعَارِكُمْ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۸)؛ ... پس اطاعت خدا را پوشش جان، نه پوشش ظاهری، قرار دهید و با جان، نه با تن، فرمانبردار باشید... (نقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰-۱۴۱).

### ۳-۲. تعادل در ساحت فکری انسان

امام علی علیه السلام، به عدل و عدالت به‌عنوان قانونی عام و فراگیر و سستی تغییرناپذیر در جهان خلقت می‌نگرند: «... أَلْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهِ قِيَامُ الْعَالَمِ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۵، ص ۸۳)؛ عدالت، شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است. امام علی علیه السلام با تأکید بر اهمیت عدل در نظام شهری نیز چنین می‌فرماید: «... مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ...» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۷، ص ۸۲۶)؛ شهرها به چیزی همانند عدل آباد نشوند. و عدم رعایت آن را عامل ویرانی شهرها دانسته‌اند: «... الظُّلْمُ يَذْمُرُ الدِّيَارَ...» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۷، ص ۵۵)؛ ستم شهرها را نابود می‌کند.

هستی‌شناسی توحیدی اولاً جغرافیای هستی را به زندگی دنیا محدود نمی‌کند و ثانیاً ظرفیت انسان و جایگاه او را به طبیعت مقید نمی‌گرداند و ثالثاً شناخت ظرفیت‌ها و شایستگی‌های آدمی را به حوزه معرفت حسی و عقلی محدود نکرده و حضور وحی را نیز برای این مهم ضروری می‌داند. مجموعه امور یادشده در تفسیر و تبیین معنای عدل و تحقق عینی آن دخیل هستند (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۷۵). عدالت در کلام امام علی علیه السلام یعنی قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود: «... أَلْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۴۳۷) و عدل در این تعریف، اگرچه ابهامی ندارد؛ اما شناخت

۳-۳. حیات معنوی اهل شهر

«حیات» در لغت ضد «موت» است. از دیدگاه قرآن کریم حیات حقیقی از آن خداوند بوده و همه موجودات بهره‌ای از آن را دارا هستند (طباطبایی و پرچم، ۱۳۹۲، ص ۱۳). کلمه «حیات» بر دو معنا حیات ظاهری (حرکت جسم) و حیات باطنی (هدایت، ایمان و...) اطلاق می‌شود. در مقابل، کلمه «موت» بر دو مفهوم مرگ ظاهری و مرگ باطنی اطلاق می‌شود که مرگ ظاهری به‌معنای انتقال روح از بدن دنیوی به بدن اخروی (موت جسم و تن مردگی) و مرگ باطنی، یعنی گمراهی و جهل و نداشتن هدایت الهی (مردن قلب و روح و دل مردگی). امام علی علیه السلام درباره کسانی که حیات را در بدن خلاصه نموده‌اند، تعبیر «مردگان به ظاهر زنده»: «... وَ ذَلِكَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءِ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۸۷) به کار برده‌اند. از دیدگاه امام علیه السلام، مرده واقعی شخص دل‌مرده است؛ شخصی که از هدایت الهی بی‌بهره بوده و گرفتار ظلمت، کفر، ضلالت و فسق شده است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های مرگ واقعی در نگاه امیر مؤمنان علیه السلام نادانی، دروغ‌گویی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، ثروت توأم با طغیان، فقر بی‌ایمان، کفر و بی‌دینی، گمراهی از حق و نفاق، تحریف قرآن و غفلت معرفی گردیده و مهم‌ترین شاخص‌های حیات واقعی،

### ۳-۵. امنیت فردی و اعتقادی اهل شهر

امنیت از لوازم تمدن و اصول مدینه فاضله به‌شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۵۷). از ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام، برقراری امنیت در تمام ابعاد زندگی انسان است. امنیت، دلپذیرترین نعمت فردی و اجتماعی بوده که در سایه آن، دیگر برکات مقفود، موجود می‌شوند و با نبود آن، همه نعمت‌های موجود از دست خواهد رفت (جوادی آملی، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۳۹). امنیت فردی، یعنی شرایطی که حیات و زندگی، حیثیت و آبروی افراد و آزادی اشخاص مورد تعرض هیچ فرد یا مقامی قرار نگیرد. به‌ویژه امنیت جانی حائز اهمیت بیشتری بوده که البته از نگاه امام علی علیه السلام نه تنها جان اشخاص جامعه باید تأمین شود، بلکه لازم است آبروی افراد نیز از امنیت کافی برخوردار باشد. از همین جهت است که اسلام بر حفظ آبروی مردم تأکید نموده و مواردی همچون استهزاء، طعن، عیب‌جویی، استفاده از القاب زشت، سوءظن، تجسس و غیبت را حرام نموده است (ر.ک. قرائتی، ۱۴۰۱). در این راستا راهکارهای معرفی شده توسط امام علیه السلام در نهج البلاغه برای تأمین امنیت فردی، پیروی از دین (اسلام)، ایمان به خدا، تقوای الهی، خردورزی، پیروی از اهل‌بیت، میانه‌روی در زندگی، تمسک به قرآن، صبر و شکر نعمت است (آبادی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۰۹-۱۵۱۲).

از سوی دیگر، امنیت از دو بعد مادی و معنوی قابل طرح است. در بیان قرآن کریم، توجه به هر دو بعد امنیت لازم بوده و از این‌روست که برای دستیابی به امنیت معنوی بایستی امنیت مادی حتی در ابعاد اقتصادی نیز تأمین شود. از این‌رو امام علی علیه السلام پس از به دست گرفتن زمام ظاهری حکومت، در اولین نطق خود، وعده اصلاحات و اجرای امنیت اقتصادی (تأمین امنیت مادی) را دادند (به‌درون، ۱۳۸۰، ص ۱۵-۲۴) تا از این طریق راه برای برقراری امنیت در ابعاد روحانی و معنوی گشوده شود. درنهایت می‌توان بیان داشت که امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه و پیش‌شرط هرگونه توسعه، رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی محسوب می‌گردد.

### ۳-۶. آزادی فردی و معنوی انسان

در فرهنگ دین، آزادی به‌معنای تصمیم‌گیری خواسته‌های عقلانی بوده و قلمرو آن تا مرز تحصیل عزت انسانی و کمالات معنوی برای دنیا و آخرت، نه هرگونه اختیار و اعمال اراده در راستای خواهش‌های

انس با قرآن، عقل دین‌گرا، علم‌گرایی، موعظه‌پذیری، همشینی با صالحان و زنده‌دلان، تفکر، رعایت تقوا، دوری از گناهان، ذکر و یاد خدا و دوری از محبت دنیای مذموم معرفی گردیده است (ر.ک. دره‌کی، ۱۳۹۵؛ کلینی، ۱۳۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵). از این سخنان اهمیت حق حیات و لزوم حراست از حیات مادی و معنوی به‌وضوح استنباط می‌گردد.

### ۳-۴. لزوم حفظ کرامت انسانی

خدای کریم به انسان هم کرامت داده است و هم فضیلت. کرامت، ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه اوست و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی‌شود؛ برخلاف تفضیل که مقایسه با غیر، رکن آن است. ذات اقدس الهی افزون بر تکریم انسان، وی را بر بسیاری از موجودات برتری داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶). کرامت و بزرگواری ذاتی انسان، هدیه الهی نسبت به این مخلوق ویژه بوده: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰) که در روح‌خداایی: «... وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (حجر: ۲۹)، شکل ظاهری، نیروی تعقل و تفکر، دارا بودن اراده و اختیار نسبت به پیشرفت خود، انتخاب خیر از شر و... بروز و نمود می‌یابد. به‌سبب دارا بودن این کرامت‌ها، انسان به مقام خلافت الهی رسیده و گوی سبقت را از دیگران ربوده است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۷). امام علی علیه السلام با اشاره به سجده بر آدم، آن را سبب گرامیداشت مقام انسان برمی‌شمارند: «... وَ اسْتَأْذَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةَ وَ دِيْعَتَهُ لَدَيْهِمْ وَ عَهْدَ وَصِيَّتِهِ إِلَيْهِمْ فِي الْإِدْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ وَ الْخُوعِ لِنُكْرُمِيَّتِهِ...» (نهج البلاغه، ۱۳۹۷، خطبه ۱)؛ خداوند از فرشتگان خواست که ودیعه الهی و پیمان او را با سجود بر انسان و قبول کرامت و بزرگی او ادا کنند. در کلام امام علی علیه السلام تک‌تک افراد بشر به‌عنوان برگزیدگان خلقت و احسن‌الخالقین از کرامت خاصی برخوردار هستند. نموده‌های ارج نهادن این کرامت در سخن و سیره امام علیه السلام فراوان به چشم می‌آید. برخی نمونه‌های شاخص این ارج‌گذاری در کلام امام علی علیه السلام شامل بزرگی ذاتی انسان، بزرگداشت مقام انسان، برخوردارگی از زندگی متعارف، برابری، آزادی و آزادگی، رعایت کرامت افراد پایین‌دست، رعایت کرامت توسط خود شخص، رعایت کرامت انسانی در مقام قضاوت، دوری از گناه و تقوا بالاترین کرامت می‌باشد (ر.ک. نهج البلاغه، ۱۳۹۷؛ تمیمی آمدی، ۱۴۰۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۷؛ کاملی، ۱۳۸۵).

خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور زندگی سفارش می‌کنم... بر اساس کلام وحی، قانون و نظم بر جمیع جریانات و حوادث عالم و حرکات دنیای پیرامون ما حاکم است. انسان هم به‌عنوان یکی از اجزای همین عالم، برخوردار از نظم است. زندگی طبیعی انسان نیز تابع نظم بوده و اگر عمل و رفتار انسان نیز از نظم برخوردار باشد، هماهنگی میان او و دنیای پیرامونش تأمین خواهد شد. البته امام علیه السلام در این کلام، قبل از بیان نظم، به تقوای الهی اشاره نموده‌اند که می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نظمی در زندگی فردی و نظام زندگی اجتماعی انسان مطلوب خواهد بود که از تقوا سرچشمه گرفته و با تقوا همراه و هماهنگ باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۲). امام علیه السلام در باب نظم فردی به موضوعات مختلفی نظیر نظم در کارهای روزانه: «وَأْمُضْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَةً فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳)، وقت‌شناسی: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُضَّةٌ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۱۱۸)، تنظیم وقت: «وَأِنْقَادُوا قَبْلَ غَفِّ السَّيَاقِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۹۰)، غنیمت شمردن فرصت: «وَأَلْفُرْصَةُ تَمَرٌّ مَرٌّ أَلْسَحَابِ فَاتْتَهَرُوا فُرْصَ الْآخِرِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۲۱)، نظم در زندگی: «فَضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳) و برنامه‌ریزی: «الْمُؤْمِنُ... مَشْغُولٌ وَقْتُهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۳۳۳) اشاره فرموده‌اند.

#### ۳-۸. مالکیت اعتباری انسان

مالکیت دو بعد تکوینی و تشریحی دارد. در نظام تکوین جز خدا هیچ‌کسی مالک هیچ‌چیز نیست. حتی انسان مالک اعضا و جوارح خود نیست: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ...» (یونس: ۳۱)؛ اما در نظام تشریح، خدای سبحان مالکیت فقهی و حقوقی را برای انسان امضا فرموده است: «... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...» (نساء: ۳۲). در واقع اگر انسان‌ها با یکدیگر سنجیده شوند، مالکیت انسان ثابت، اما اگر با خداوند سنجیده شوند، مالکیتی ندارند. امام علیه السلام می‌فرمایند: «وَأَكُلُ مَالِكٍ غَيْرَهُ مَمْلُوكٌ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۶۵)؛ و هر مالکی غیر از او مملوک است. مالکیت اشخاص امری اعتباری و مجازی است؛ زیرا چنین مالکیتی خود مخلوق و مملوک خدا بوده، ولی مالکیت خداوند حقیقی و اصلی است. از همین‌روست که اسلام در عین آنکه

نفسانی است. نعمت آزادی همچنین در سرنوشت ملت‌ها، نقش مهمی دارد و تا ملتی از استبداد آزاد نشود استعدادهای مختلف او شکوفا نشده و قابلیت پذیرش برنامه‌های متنوع اعتقادی و فرهنگی و اخلاقی پیامبران را پیدا نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳ الف، ص ۲۳۶ و ۲۳۷)؛ لذا هیچ ارزشی در اسلام به اندازه ارزش آزادی نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹). امام علی علیه السلام در باب آزادی فردی می‌فرماید: «... وَ مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَتْ حُرًّا» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۴، ص ۲۸۰)؛ آزاد کسی است که شهوت‌ها را ترک کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در همه مسائل اعتقادی و اجرایی به آزادی و مردم‌سالاری باوری ژرف داشته و تنها زمینه دست یافتن به آگاهی و رشد و کمال انسانی را آزادی می‌دانستند.

آنچه که در روزگار ما از بیان آزادی مدنظر می‌باشد، آزادی لیبرالیستی به‌معنای آزاد شدن نفوس حیوانی انسان از نفس عقلانی او بوده و این در حالی است که آزادی به مفهوم اسلامی آن، به‌معنای آزاد شدن نفس عقلانی که به حکمت و نزاهت دعوت می‌نماید از نفوس بهیمی دعوت‌کننده به زشتی است (نقره‌کار، ۱۳۹۳، ص ۴۵). از منظر امام علی علیه السلام، انسان موجودی آزاده است که در بند و یوغ نمی‌گنجد و هیچ‌گونه ذلتی را نمی‌پذیرد. امام علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: «وَأَلَّا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱)؛ بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. مهم‌ترین انواع آزادی در کلام امام علیه السلام شامل آزادی فردی (شخصی) یا آزادی عقیده، آزادی اجتماعی (آزادی انتخاب و آزادی بیان) و آزادی معنوی است (ر.ک. نهج البلاغه، ۱۳۷۹؛ عباسی، ۱۳۹۱؛ مولایی، ۱۳۹۴).

#### ۳-۷. نظم رفتاری و اعتقادی اهل شهر

نظم یک بایسته فطری و بدیهی در خلقت الهی است که در ابعاد مختلفی امکان بررسی و مطالعه دارد (مولایی، ۱۳۹۶، ص ۸۶۸). امام علی علیه السلام در آخرین ساعت‌های عمر شریف خود به‌عنوان آخرین وصیت که می‌توان آن را یکی از حساس‌ترین سخنان ایشان برشمرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۸)، خطاب به تمامی مخاطبان در تمامی اعصار، انسان را به نظم سفارش کرده و می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَكِدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمٍ أَمْرِكُمْ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۴۷)؛ شما را و تمام فرزندان و

مالکیت شخصی را محترم می‌داند، ولی چون اموال را ودایع الهی به حساب می‌آورد، جایز نمی‌داند که کسی بیش از مرز احتیاج و شئون خویش از آن بهره‌برداری کرده یا آن را ضایع و فاسد نماید. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: «لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۲، ص ۳۰۴)؛ اسراف‌کار سه نشانه دارد: آنچه در شأن او نیست می‌خرد و آنچه برانده او نیست می‌پوشد و آنچه فراخور حال او نیست می‌خورد. درنهایت با توجه به کلام امام علیه السلام در فرازی از خطبه ۱۴۲ نهج البلاغه می‌توان بیان داشت که مالکیت بشر در طول مالکیت خداوند بوده و انسان امانت‌دار چیزی است که درواقع از آن خداوند است.

### نتیجه‌گیری

آفرینش خلقت، هدفمند بوده و انسان نیز تافته‌ای جدابافته از جهان خلقت نیست، بلکه با سیر الی الله، خود را با سایر مخلوقات وفق داده و خود را با مجموعه جهان آفرینش در مسیر حرکت به سمت کمال، هماهنگ می‌سازد. مهم‌ترین راه هماهنگ شدن با نظام پیوسته جهان برای انسان، در سیر به سوی کمال مطلق، کسب فضائل اخلاقی است. شهر همچون سایر اجزای جهان هستی برای انسان و کمال او بوده و آئینه وجود ما انسان‌ها و نظم و نظام آن، مظهر سامان و بی‌سامانی روح و فکر ما انسان‌هاست؛ پس نیابستی ما خودمان را از شهر و شهر را از خودمان جدا بدانیم. این ارتباط و هماهنگی آن‌گونه است که نه می‌توان از تأثیر محیط یک شهر بر انسان غافل شد و انسان را مستحق زیستن در هر شهری نمود و نه از طرف دیگر، همه چیز را به ساخت کالبدی شهر بدون توجه به انسان و مبانی فکری او موکول نمود. در مقایسه‌ای دیگر، شهر مطلوب به‌منزله بدن بوده و خلیفه‌الله به‌مثابه روح آن است و همان‌طوری که بر اساس اصالت روح، بدن را روح سالم می‌سازد، بنا بر اصالت خلیفه‌الله، شهر مطلوب را انسان کامل تأسیس و تأمین می‌نماید.

پس می‌توان بیان داشت که مهم‌ترین عنصر و اصلی‌ترین جزو عامل پدیدآورنده یک شهر، انسان یا اهل شهر یا کسی است که شهر زیستگاه او و مکان فعالیت‌هایش می‌باشد. در کلام امام علی علیه السلام اهل شهر در دو گروه اصلی شهروندان و کارگزاران و مدیران شهر طبقه‌بندی گردیده‌اند. دراین‌بین هم اهمیت نظام فکری اهل شهر مورد تأکید امام علیه السلام بوده و هم به‌طور ویژه به خصوصیات و طرز فکر

حاکم شهر اشاره گردیده که نشان از اهمیت جهان‌بینی حاکم شهر در تحقق یا عدم تحقق شهر مطلوب است. فضای فکری علاوه بر آنکه بر روی رفتار انسان‌ها با یکدیگر (با اهل و مدیر شهر) تأثیر می‌گذارد، علاوه‌برآن بر رفتار انسان با طبیعت و محیط مصنوع نیز تأثیرگذار خواهد بود. درواقع اگر ما به دنبال عامل معنا و معنویت و روح حاکم بر شهر باشیم، بایستی آن را در همین ساحت فضای فکری پی‌جویی نماییم و به بیان دیگر، ساخت شهر مطلوب را می‌توان از انسان کامل انتظار داشته و نمی‌توان ساخت این شهر را فارغ از توجه به مبانی فکری انسان و جایگاه او در جهان آفرینش و مقصدش به دست افکاری که نافی آخرت، نافی ارزش انسان و ساحت‌های فرامادی حیات اوست، سپرد. همچنین انسانی که در طی مسیر تکاملی‌اش، نیازمند زیستن در شهر با مختصات ویژه، چه از لحاظ تأمین نیازهای مادی و چه نیازهای معنوی بوده را نمی‌توان به زیستن در شهری که پاسخگوی نیازهای ساحت‌های مختلف او نیست، تشویق نمود.

حال که اهمیت و اولویت ساحت فکری انسان مشخص گردید، بایستی بیان نمود که دستیابی به مبانی فکری انسان در شهر مطلوب، مستلزم شناخت نیازهای انسان و آن نیز، مستلزم شناخت ماهیت و ساحت‌های حیات او است. در تحقیق جاری، ما این سه موضوع را در کلام امام علی علیه السلام پیگیری نمودیم. نتایج نشان داد که انسان به طور عمده، دو ساحت جسمانی و روحانی داشته و موجودی مرکب و متشکل از چهار نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی بوده (جدول ۱) و به تناسب ساحت‌های قابل‌تصور برای حیات انسان، نیازهای انسان نیز تحت همین ساحت‌ها قابل شناسایی و تعریف هستند (نمودار ۳ و جدول ۲).

در نهایت اصول حاکم بر فکر انسان باید با ماهیت و حقیقت انسان هماهنگ باشد و ازهمین‌رو این اصول بنا به ساحت‌های وجودی و نیازهای انسان می‌تواند ابعاد مادی و معنوی به خود بگیرد و صرفاً به جنبه‌های مادی منحصر نمی‌شود. از دیدگاه امام علیه السلام ازآنجاکه ارزش انسان و به تعبیری انسانیت انسان به خلیفه‌اللهی او بوده و خلیفه‌اللهی انسان نیز به پذیرش ربوبیت الهی وابسته است، مبانی فکری انسان باید حافظ و نگهبان مقام خلیفه‌اللهی بشر باشد که ما در تحقیق جاری هشت مبانی توحید و خدامحوری اهل شهر، تعادل در ساحت فکری انسان، حیات معنوی اهل شهر، لزوم حفظ کرامت انسانی، امنیت فردی و اعتقادی اهل شهر، آزادی فردی و

امامی، مجتبی (۱۳۹۷). نیاز و نیازمندی از منظر روان‌شناسی و اسلام. نامه الهیات، ۱۱ (۴۵)، ۱-۱۵.

بهداروند، محمدمهدی (۱۳۸۰). امنیت از دیدگاه امام علی علیه السلام. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۸ (۳)، ۱۱-۳۷.

پارسا، حمید (۱۳۹۰). فلسفه حقوق بشر از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. حکمت اسراء، ۳ (۱)، ۱۲۹-۱۴۶.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۷). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه مهدی انصاری. تهران: لوح محفوظ.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۱). غررالحکم. تصحیح مهدی رجایی. تهران: دارالکتاب الاسلامی.

جان احمدی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۴). بازخوانی مراحل حیات شهری پیامبر صلی الله علیه و آله. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۱ (۶)، ۷-۲۸.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). حکمت عبادات. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). حق و تکلیف. حکومت اسلامی، ۲۹ (۸)، ۳۰-۷۲.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). مبانی کلامی حق و تکلیف. اندیشه نوین دینی، ۱ (۱)، ۹-۲۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳ الف). قرآن، میزان شناخت قرآن. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳ ب). رجال تفسیری. قم: اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۲). بازگشت به نهج البلاغه. تهران: بنیاد نهج البلاغه.

خلیلی، نصرالله (۱۳۸۲). معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب از دیدگاه اسلام. معرفت، ۷۵ (۱۲)، ۱۰۵-۱۲۰.

دره‌کی، علیرضا (۱۳۹۵). حیات حقیقی انسان از منظر نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بیرجند: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند.

رضایی، حسن و نصیریان، صفر (۱۳۹۷). بررسی ماهیت انسان با تأکید بر نهج البلاغه. فلسفه دین، ۱۵ (۱)، ۱-۲۳.

رئییسی، محمدمنان (۱۳۹۷). معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود). قم: دانشگاه قم.

ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰). اصول مدیریت شهری رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه النبی. معرفت، ۱۷۱ (۲۰)، ۱۱-۲۴.

سقا، ثریا و اوپسی، کامران (۱۳۹۹). تحلیل آثار خداشناسی در هدایت فردی انسان از دیدگاه نهج البلاغه در پاسخ به نظریه اخترشناسان. پژوهش‌های نهج البلاغه، ۱۹ (۴)، ۶۹-۱۰۴.

صارمی، حمیدرضا و کشاورزی، شیما (۱۴۰۰). تبیین اندیشه آرمان‌شهری با رویکرد شهر اسلامی در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۱ (۴)، ۸۲-۱۵۷.

طباطبایی، ریحانه و پرچم، اعظم (۱۳۹۲). حیات طیبیه، حیاتی اخلاقی در راستای مظهریت صفات الهی. معرفت، ۱۸۷ (۲۲)، ۱۳-۲۸.

طباطبایی، محمدکاظم (۱۳۹۷). کرامت انسان در سخن و سیره امام علی علیه السلام.

معنوی انسان، نظم رفتاری و اعتقادی اهل شهر و مالکیت اعتباری انسان را از کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام در راستای دستیابی به شهر مطلوب را شناسایی و مورد مذاقه قرار دادیم (جدول ۳). در نهایت بایستی بیان نمود که تشکیل شهر مطلوب تنها به فضیلت‌های این‌جهانی ختم نشده و نگاه به آخرت دارد. از این رو شهر مطلوب خود، نه به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان یک وسیله در خدمت هدف متعالی انسان بوده و به همین دلیل این شهر بایستی ضمن توجه توأمان به نیازهای مادی و فرامادی انسان، زمینه‌های لازم زیست‌مقربانه انسان و تربیت خلیفه‌الله را تأمین نماید. نتایج پژوهش حاضر، می‌تواند زمینه تدوین مبانی نظری شهر اسلامی بر اساس کلام امامان معصوم علیهم السلام را فراهم نموده و محملی برای پژوهش‌های آتی مطالعات شهر اسلامی باشد.

جدول ۳: ماهیت، نیازها و مبانی فکری حاکم بر اهل شهر در کلام امام علی علیه السلام

مراتب نفوس انسان	مراتب نیازهای انسان	مبانی فکری حاکم بر اهل شهر
۱. نفس نامی نباتی	نیازهای ثابت بعد مادی	۱. توحید و خدامحوری
۲. نفس حسی	۱) نیاز به سلامتی و تغذیه	اهل شهر
۳. نفس ناطقه	۲) نیاز به پوشش	۲. تعادل در ساحت فکری انسان
۴. نفس کلی الهی (روحانی)	۳) نیاز به استقرار و آرامش	۳. حیات معنوی اهل شهر
	۴) نیازهای جنسی	۴. لزوم حفظ کرامت انسانی
	نیازهای بعد روانی و عقلائی	۵. امنیت فردی و اعتقادی اهل شهر
	۱) نیاز به قدرت	۶. آزادی فردی و معنوی انسان
	۲) نیاز به لذات	۷. نظم رفتاری و نوآوری
	۳) نیاز به خلاقیت و نیازهای بعد روحی (معنوی)	۸. مالکیت اعتباری انسان
	۱) نیاز به کمال	
	۲) نیاز به دین	

منبع: نگارندگان

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.

آبادی، خدیجه و دیگران (۱۴۰۰). بررسی راهکارهای تحصیل امنیت فردی در نهج البلاغه. پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۸ (۹)، ۱۵۱۷-۱۵۰۵.

اشرفی، امیررضا و میقانی، محمدامین (۱۳۹۹). نیازهای متعالی انسان از نگاه قرآن. معرفت، ۲۷۸ (۲۹)، ۵۵-۶۶.

- در: [www.imam-khomeini.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=22831](http://www.imam-khomeini.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=22831).
- عباسی، فرهاد (۱۳۹۱). آزادی، تعریف، حدود و انواع آن در حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۲ (۱)، ۹۹-۱۲۰.
- عزیزی کیا، غلامعلی و عابدی، مهدی (۱۳۹۹). بررسی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان. *معرفت*، ۲۷۸ (۲۹)، ۴۳-۵۳.
- فتحی، معصومه و سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۵). مفهوم انسان در نهج البلاغه. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۴۹ (۱)، ۹۱-۱۱۶.
- قبادی، علیرضا (۱۳۹۳). *ویژگی‌های شهر از منظر نهج‌البلاغه*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- قرائتی، محسن (۱۴۰۱). *امنیت در قرآن*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاملی، ابراهیم (۱۳۸۵). کرامت انسانی در حکومت امام علی علیه السلام. طوبی، ۵ (۲)، ۱۰۵-۱۱۰.
- کریمی، زینب و مهدی‌پور، زهرا (۱۳۹۹). تغذیه سالم در سیره امام علی علیه السلام. *سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام رویکرد تمدنی*، ۶ (۱۱)، ۲۳-۳۵.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۸۹). راهکارهای عینی پاسخگویی قرآن به نیازهای انسان معاصر. *مطالعات تفسیری*، ۱ (۲)، ۳۵-۶۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه (خطبه متقین)*. قم: نسل جوان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *از تو سؤال می‌کنند. تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی*. قم: امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
- ملکی، محمد و وحیدی، شهاب‌الدین (۱۳۹۵). ابزار و منابع معرفت از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه. *هفت‌آسمان*، ۱۸ (۷۰)، ۲۸-۵.
- موسوی‌فر، محمدتقی (۱۳۹۷). مرور ادبیات مطالعات سبک زندگی در آثار برخی متفکران مسلمان. *تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی*، ۲ (۲)، ۱۱۵-۱۴۲.
- مولایی، اصغر (۱۳۹۶). تبیین نظم شهر اسلامی بر اساس احکام ثابت. *فلسفه دین*، ۱۴ (۴)، ۸۷۸-۸۵۵.
- مولایی، محمد (۱۳۹۴). آزادی در نظام حکومت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه. *پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*، ۱۱ (۳)، ۱-۱۶.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۳). *تعامل ادراکی انسان با ایده‌های فضایی هندسی در معماری*. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرانظریه سلام (SALAM) طرح مدلی (بنیادی - کاربردی) در (ساختار، منابع، مبانی و ارزیابی) آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۴ (۳)، ۴-۲۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). *نسبت اسلام با مراحل پنج‌گانه در فرایندهای انسانی نظریه سلام (SALAM)*. تهران: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- نقی‌زاده محمد (۱۳۸۷). *شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)*. اصفهان: مانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). طرح کلی برنامه جامع احیاء شهر اسلامی. *کتاب ماه هنر*، ۱۳۶ (۱)، ۴-۱۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی. *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۱ (۱)، ۶۳-۸۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *شهر علوی (شهر آرمانی تحقق‌پذیر در دنیا)*. تهران: خورشید باران.